

و زمین شتاده کنم کال اپت چکشان از خانه بازد پس و رخانه میانی نه اشمین
 که چکر بدستعلی اپت شویید و آنده از خانه **شیشه** کرد و در آنجا خود دیک و از جانب چه میل را
 کرد و هفت خانه عده یکی که بعد ازین عده و متداول اپت خاچه نهاده شد این عده نوشته
 چکر ا تمام ساز و **طیبی** دیدن و عمل مژده نهین زین خان اپت که در روزی که حاشیا
 جرب سیگند بی پنهان که آفرور از تیهای مسدی کنم اپت شادل تیهای که پاره است شما
 بکش تماشید روز بکب چند عدد محشود در بان اعدام اپت عدد داخل پ روز داشت
 طرح و هر چه بایق باند یه پنهان که درین چیزکرد کجا اتفاق داده اپت انجانب زمین فتح آن
 و هذا اپت پیش بجانب را بدبست چه و یا به پس بدبست اندانه متوجه حرب شود که فتح

و طفر او را اپت توفیق رب العالمین **شیخ** پیکر که کوراییست

و صورت روحی
 این مین صورت
 عورتیسیمیک
 و حمار دست دو
 ماوارد و درست
 قوکانه را اپت
 در یعنی ام و در یعنی غذا
 و در دست و کانه
 در یعنی اپن و در یعنی گزه
 مشتیه و انبت

